www.telasm.com www.telasm.com www.telasm.com



| | | | |
|---|---|---|---|
| ش | ک | و | ر |
| ر | ش | و | ک |
| ک | ر | و | ش |

شکل شماره‌ی ۱۸۰

**پژوهه در مفهوم الشَّکور از مترجم**

حقیقت «شکر» تشکر زبانی یا گفتن «الحمدلله» و مانند آن نیست. «شکر» دارای سه مرحله است: ۱- توجه و ایمان و آگاهی، ۲- مرحله‌ی زبانی ۳- مرحله‌ی عملی (شکر)، استفاده صحیح انسان از تمام نعمت‌های خداوند در جای خود می‌باشد).

این واژه از اسمای خداوند و به معنی پاداش‌دهنده می‌باشد که وزن صرفی آن - صیغه‌ی مبالغه - دلالت بر کثرت و تداوم در فعل دارد. این اسم چهار بار در قرآن کریم ذکر شده است.

بنابر اسم «شکور» اِنعام و اکرام خداوند بسیار زیاد است و به عبادت کم، و پاداش فراوان کرامت می‌فرماید. "شکر" در لغت به معنای شناختن احسان و اعتراف‌نمودن به اوست بنابراین چون خداوند تبارک و تعالی خود احسان‌کننده به بندگان خویش است حقیقت شکر نسبت به او صادق نیست پس باید گفت "شکور" یعنی شکرپذیر و جزادهنده بر اعمال خوب بندگان. همچنین بعضی گفته‌اند نسبت‌دادن شکر به پروردگار به اعتبار این که به احسان خود اعتراف می‌کند و شاکر نفس خویش می‌باشد جایز نیست.

**چگونگی شکوربودن خداوند بیشتر در قیامت آشکار می‌گردد، آن هنگام که به طاعات و عبادات مختصر درجات بلند و پرارزش می‌دهد و به خاطر اعمال صالح چند ساله‌ی عمر انسان نعمات جاودانه و بی‌پایان تفضل می‌نماید.**



**«بخورید و بیاشامید گوارا باد بر شما به سبب اعمالی که در ایّام گذشته کرده‌اید».** [الحاقه/۲۴]

**آن کس که «نعمت قدرت» را وسیله‌ی ظلم و ستم و چپاول از بیت‌المال قرار می‌دهد به زبان حال فریاد می‌کشد، خداوندا لایق این نعمت نیستم، و آن کس که از آن در مسیر اجرای حق و عدالت و مردم محوری، بهره می‌گیرد به زبان حال می‌گوید: پروردگارا! شایسته‌ام افزون کن! وَاللهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ و منظور از شکرگزاری خداوند آن است که به مقداری که بندگان در مسیر طاعت او گام برمی‌دارند آنها را مشمول مواهب و الطاف خویش می‌سازد و از آنها تشکر و سپاسگزاری می‌کند و از فضل خود بیش از آنچه استحقاق دارند بر آنها می‌افزاید.**

www.telasm.com www.telasm.com www.telasm.com

www.telasm.com www.telasm.com www.telasm.com




به معنی بزرگواری است که هر چیزی در برابر عظمت او خاضع و ذلیل است و او بر همه قاهر و قادر است و مداومت بر این اسم برای حصول جاه و عظمت و هیبت و شوکت در نزد خلایق مجرّب است و برای ادای دَیْن و حصول وسعت در معیشت روزی صد مرتبه بعد از نماز صبح بگوید «سُبْحٰانَاللهِ وَ بِحَمْدِهِ سُبْحٰانَاللهِالعَظیمِ اَسْتَغْفِرُاللهَ» مجرّب است. همچنین مداومت بر ذکر «یٰا عَظیمُ ذَالثَّناءِالْفاخِر وَ ذَالْعِزِّ وَالمَجْدِ وَالکِبریاءِ فَلا یَذِلُّ عِزُّهُ» برای ادای دَیْن نافع است و اگر پادشاهی یا بزرگی بر کسی غضبناک باشد، هزار مرتبه این ذکر را بخواند، آن بزرگ بر سر لطف و مهربانی آید و همراه‌داشتن مکسّر این اسم نیز فواید بسیار دارد:

| | | | |
|---|---|---|---|
| ع | ظ | ی | م |
| م | ع | ی | ظ |
| ظ | م | ی | ع |

شکل شماره‌ی ۱۸۱

**پژوهه در مفهوم العظیم از مترجم**

این واژه از اسمای خداوند و به معنی بزرگ می‌باشد که وزن صرفی آن – صفت مشبّهه – دلالت بر زیادگی آن در معنی می‌باشد. این اسم در قرآن کریم



شش بار استعمال گردیده است. اسم «**عظیم**» از اسمای تشبیهی می‌باشد که دریافت سرّ آن در نهایت پیچیدگی و دشواری است که منشاء دشواری فهم آن از مفهوم عظمت – بزرگی – ناشی می‌گردد. هرگاه دو چیز نسبت به امری با هم مورد سنجش قرار گیرند و یکی به حسب امر مورد سنجش برتر از دیگری باشد، بدان «**عظیم**» گفته شده و به طرف دیگر «**حقیر**» اطلاق می‌گردد. از همین‌رو چون اسم «**عظیم**» از اسمای اضافیه می‌باشد و باید نسبت به امری مورد اعتبار قرار گیرد، هر کسی مبداء اندازه‌گیری را امری محسوب داشته تا آنجا که گروهی مجسّمه‌ی این اسم را دلیلی بر جسم‌مندبودن خدا دانسته‌اند. با دقّت عقلی در حقیقت فوق می‌توان عظمت خداوند را در سه مقطع بیان داشت:

۱) **مرتبه‌ی افعال**؛ از آن رو که خداوند قادر مطلق است و قدرت او ورای تمام مخلوقات است، پس فعل او متفوّق بر تمام موجودات می‌باشد؛ لذا با دقّت به عظمت مخلوقات می‌توان به برتری خالق آنها پی برد که از همین رو تفکّر در صنع الهی و پی‌بردن به عظمت خالق آن، در احادیث متعدّدی مورد مدح قرار گرفته است.

۲) **مرتبه‌ی صفات**؛ چنانچه در بحث صفات الهی بیان شده است، صفات الهی بر دوگونه‌اند، "**ایجابی**" و "**سلبی**" و از حیث دیگر تشبیهی و تنزیهی. خاستگاه صفات ثبوتی و تشبیهی خداوند مربوط به جنبه‌ی شناخت عبد نسبت به معبود است؛ لذا اگر این‌گونه صفات موجود نبود هیچ راه شناختی نسبت به خداوند و بالتبع در پرستش وی وجود نداشت، از همین رو یکی از مراتب امتنان و رحمت حق در بیان همین اسما برای بندگان متجلّی شده است. حال چون این‌گونه صفات در بدو امر موجب تشبیه محض بدون تنزیه می‌گردد، صفتی به عنوان حدّ ممیز لازم است که گویای نفی تشبیه محض و دریافت باطنی اسمای تشبیهی باشد؛ در اینجا چنین به نظر می‌رسد که "**اسم عظیم**" استیفاکننده‌ی این مقام است.

۳) **مرتبه‌ی ذات**؛ چنان که در معنی عظمت گذشت، تحلیل ثبوتی عظمت

www.telasm.com www.telasm.com www.telasm.com

www.telasm.com www.telasm.com www.telasm.com



در گرو سه امر است، مبداء موردسنجش و دو طرف مورد سنجش. از همین‌رو چون وحدت خداوند، وحدت اطلاقی و غیرعددی است، ثبوت این اسم در مرتبه‌ی ذات مستلزم اعتبار غیر است که ادلّه‌ی توحید نافی این‌گونه اعتبارند. پس اطلاق این اسم در مرتبه‌ی ذات به معنی اخیر غیرموجّه است، مگر این که به حکم قاعده‌ی امکان اشرف و عینیّت صفات با ذات خداوند قایل به ثبوت این صفت در مرتبه‌ی ذات گردیم.




به معنی نیکی‌کننده به بندگان و آفریننده‌ِ خلق، "لطیف" نیز آمده است و نیز به معنی عالِم به غوامض اشیا و مداومت بر این اسم برای وسعت رزق مجرّب است و اگر کسی این اسم را در شَرَف قمر بر نقره نقش کند و در دست نماید از هر مکروبی (غم‌وغصه) ایمن گردد و اگر (با اخلاص کامل) بر جامی بنویسد و به آب و عسل بشوید و مریضی از آن بیاشامد در حال شفا یابد و صورت نقش این است و مربّع این اسم نیز همین فایده را دارد:

| لط | ی | ف |
|---|---|---|
| ۸۴ | ۴۳ | ۲ |
| ۶ | ۷۶ | ۴۷ |

شکل شماره‌ی ۱۸۲

| ل | ط | ی | ف |
|---|---|---|---|
| ۱۱ | ۷۹ | ۳۱ | ۸ |
| ۷۸ | ۸ | ۱۱ | ۳۲ |
| ۱۰ | ۳۳ | ۷۷ | ۹ |

شکل شماره‌ی ۱۸۳

www.telasm.com www.telasm.com www.telasm.com

www.telasm.com www.telasm.com www.telasm.com



برای کفایت مهمّات و رسیدن به هر مراد روزی هشتاد مرتبه خواندن این اسم از مجرّبات است و برای جمع‌آمدن اسباب معیشت و رسیدن به وطن و ملاقات دوستان و گشوده شدن بخت دختران و شفای بیماران و برآمدن حاجات حاجتمندان دو رکعت نماز کند و بعد از سلام صد مرتبه رو به قبله بگوید **«یالطیف»** مجرّب است و اگر کسی این مربّع (مربع ذیل) را با خود دارد قلوب مسخّر وی گردد و برای معیشت و وسعت رزق و سرکوبیِ دشمنان بسیار مؤثر است:

| | | | |
|---|---|---|---|
| الله لطیف | بعباده | یرزق | من یشاء |
| من یشاء | یرزق | بعباده | الله لطیف |
| بعباده | الله لطیف | من یشاء | یرزق |
| یرزق | من یشاء | الله لطیف | بعباده |

**شکل شماره‌ی ۱۸۴**

همچنین همراه‌داشتن این نقش نیز فواید بسیار دارد:

| لا اله | الا | الله | الله | لطیف | بعباده | |
|---|---|---|---|---|---|---|
| ۵۴۸ | ۰ | ۵۶ | ۲۱۱ | ۴۵ | ۷۵ | |
| ۴۴ | ۷۸ | ۴۳ | ۱۰۲ | ۵۷ | | ۱۲۰ |

**شکل شماره‌ی ۱۸۵**

برای ادای دیْن گفتن ذکر «یٰا خَفِیَّ الْاَلطٰافِ نَجِّنا مِمّا نَخافُ یٰا لَطیفُ اُلطُفْنی بِلُطفِکَ الخَفیِّ» تا روزی صد مرتبه، مجرّب است و برای وسعت رزق و حصول جاه بخواند «اللهُ لَطیفٌ بِعِبادِهِ یَرزُقُ مَن یَشاءُ وَ هُوَالقَوِیُّ العَزیزُ» و اگر هفتاد هزار بار خواند برای تمام حوایج به خصوص خلاصی از حبس و دفع شرّ دشمن مؤثر است.



**پژوهه در مفهوم اللَّطیف از مترجم**

این واژه از اسمای "خداوند" و به معنی "مدارا کننده" می‌باشد که وزن صرفی آن - صفت مشبهه - دلالت بر دوام آن دارد، این اسم در قرآن کریم هفت مرتبه ذکر شده است. امام فخر رازی در تفسیر این اسم چهار وجه را بیان نموده است:

۱) به چیزی که در نهایت کوچکی است و از این‌رو ادراک نمی‌گردد، "لطیف" گفته می‌شود، لذا لطیف وصف خداوند قرار گرفته، زیرا غیرمحسوس است. از این‌رو اسم "لطیف" از جمله‌ی اسمای تنزیهی می‌باشد.

**«هیچ چشمی او را نمی‌بیند و درک نمی‌کند و حال آن که او چشمها را درک می‌نماید و اوست لطیف و خبیر».** «انعام/۱۰۳»

۲) لطیف به معنای عالِم به دقایق امور و پیچیدگی‌های آن که از این رو اسم "لطیف" جزء اسمای ذاتی می‌باشد.

۳) لطیف کسی است که نیکی به بندگان می‌کند و از جهتی که آن‌ها نمی‌دانند به آن‌ها لطف دارد و امورشان را مهیا می‌سازد. «خدا به کار بندگان خویش دقیق است هر که را خواهد روزی دهد و همو توانا و نیرومند است» [شوریٰ/۱۹]

توصیف خداوند به «لطیف» از این نظر است که «لطیف» از مادّه‌ی «لطف» به معنی هر موضوع دقیق، ظریف و هرگونه حرکت سریع و جسم لطیف است، بنابراین لطیف بودن خداوند اشاره به علم او و نسبت به اسرار دقیق و ظریف آفرینش است وگاه به معنی خلقت اجسام لطیف و کوچک و ذره‌بینی و مافوق ذره‌بینی آمده است.

بعضی از مفسّران در تفسیر «لطیف» گفته‌اند: «او کسی است که تکلیف را آسان می‌کند و پاداش را فراوان می‌دهد»، در حقیقت این یک نوع ظرافت و دقت در "رحمت" است.

بعضی نیز گفته‌اند توصیف خداوند به «لطیف»، به خاطر این است که در درون همه‌ی اشیاء نفوذ دارد و جایی در همه‌ی جهان از او خالی نیست. اما تمام

www.telasm.com www.telasm.com www.telasm.com

www.telasm.com www.telasm.com www.telasm.com



این تفسیرها به یک حقیقت باز می‌گردد و تأکیدی است بر عمق آگاهی خداوند و علم او به اسرار نهان و آشکار.

میان تفسیرها و مفاهیم و معانی عرضه شده در بالا، نه تنها تناقضی نیست، بلکه مکمل یکدیگرند، «لطیف» کسی است که هم از نظر آگاهی کامل باشد و هم از نظر لطف و محبت در حقّ بندگان (اللهُ لَطیفٌ بِعِبٰادِهِ) [شوریٰ/۱۹].

و از آنجاکه خداوند هم بخوبی از نیازهای بندگانش آگاه است و هم به بهترین وجه به نیازهایشان پاسخ می‌گوید از همه‌کس برای این نام شایسته‌تر است.

واژه‌ی «لطیف» هنگامی که در باره‌ی اجسام به‌کار می‌رود به معنی سبکی در مقابل سنگینی و هنگامی که در باره‌ی حرکات (حرکت لطیفه) به کار می‌رود به معنی یک حرکت کوچک و زودگذر و گاهی در مورد موجودات و کارهای بسیار دقیق و باریک که با حسّ قابل درک نیستند گفته می‌شود و اگر خدا را به عنوان لطیف توصیف می‌کنیم نیز به همین معنی است، یعنی او خالق اشیاء ناپیدا و دارای افعالی است که از محیط قدرت استماع بیرون است، بسیار باریک‌بین و فوق‌العاده دقیق می‌باشد.

حدیث جالبی در این زمینه از **«فتح‌بن یزید جرجانی» از امام علی‌بن موسی‌الرضا** علیه‌السلام نقل شده که یک معجزه‌ی علمی محسوب می‌شود؛ حدیث چنین است که امام می‌فرماید: **این که می‌گوییم «خداوند لطیف» است به خاطر آن است با مخلوقاتِ لطیف آفریده و به خاطر این است که از اشیاء لطیف و ظریف و ناپیدا آگاه است. آیا آثار صُنع او را در گیاهان لطیف و غیرلطیف نمی‌بینی؟ و همچنین در مخلوقات و حیوانات کوچک و حشرات ریز و چیزهایی که از آن هم کوچکتر است، موجوداتی که به چشم هرگز نمی‌گنجند و از بس کوچک‌اند که نر و مادّه و تازه و کهنه‌ی آنها شناخته نمی‌شود، هنگامی که این‌گونه موضوعات را مشاهده می‌کنیم.... و این که موجوداتی هستند که هرگز چشم ما آنها را نمی‌بینند و با دست خود نمی‌توانیم آنها را لمس کنیم،**



**از تمام این پدیده‌ها درمی‌یابیم که آفریننده‌ی آن‌ها، لطیف است.**[1]

این احتمال نیز در تفسیر این کلمه وجود دارد که منظور از لطیف‌بودن خداوند آن است که ذات پاک او چنان است که هرگز با احساس درک نمی‌شود، بنابراین او "لطیف" است، زیرا هیچ‌کس از ذات او آگاه نیست و خبیر است چون از همه چیز آگاه است. لطیف بودن خدا ایجاب می‌کند که نطفه‌های کوچک و کم‌ارزش گیاهان راکه در درون بذرها در اعماق خاک‌ها نهفته است پرورش دهد و آن‌ها راکه در نهایت ظرافت و لطافتند از اعماق خاک تیره برخلاف قانون جاذبه بیرون فرستد و در معرض تابش آفتاب و وزش نسیم قرار دهد و سرانجام آن را به گیاهی بارور، یا درختی تنومند تبدیل کند. اگر او دانه‌های باران را نمی‌بارید و محیط بذر و زمین اطراف آن نرم و ملایم و لطیف نمی‌شد آن‌ها هرگز قدرت رشد و نمو نمی‌داشتند، امّا او با این باران به آن محیط خشک و خشن، لطف و نرمش بخشید تا آماده‌ی حرکت و نمو گردد.

در عین حال از تمام نیازها و احتیاجات این دانه‌ی ضعیف از آغاز حرکت در زیر خاک تا هنگامی که سر به آسمان کشیده، "آگاه و خبیر" است.

**خداوند به مقتضای لطفش باران را می‌فرستد و به مقتضای خبیربودنش اندازه‌ای را تقدیر می‌فرماید که اگر از حدّ بگذرد سیل است و ویرانی و اگر کمتر از حدّ فرو بارد، خشکسالی و پژمردگی و این است معنا و مفهوم «لطیف و خبیر»بودن خداوند متعال. و اگر به رحمت‌های خاص الهی «لطف» گفته می‌شود نیز به خاطر همین ظرافت‌هاست. باران رحمت بی‌حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی‌دریغش همه جا کشیده.... عُصاره‌ی تاری به قدرت او، شهدِ فایق شده و تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته...**

۱ - اصول کافی، ج ۹۳/۱.

www.telasm.com www.telasm.com www.telasm.com

www.telasm.com www.telasm.com www.telasm.com




که اسم نود و نهم و آخرین اسم از اسماءالحُسنای الهی و به معنی "شفا دهنده‌ی مریضان" است و اطلاق این اسم برحق سبحانه تعالی بر وجه حقیقت است چنان که فرمود «وَ اِذٰا مَرِضْتُ فَهُوَ یَشفینِ» و نسبت دادن شفا به طبیب و نحو آن جایز است و بعضی گفته‌اند که معنی شافی روزی‌دهنده‌ی عافیت است بدون بلا و رفع‌کننده‌ی بلاست با اندکی دعا و مداومت بر این اسم برای شفای امراض درونی و بیرونی و دوام سلامتی و صحت از بیماریها و برای دفع سموم قاتل نافع است و اگر بر طعامی خوانده شود، آن طعام ضرر نرساند به خصوص اگر چنین گوید:

بِسمِ اللهِ الشّافی بِسمِ اللهِ الکافی بِسمِ اللهِ المُعافی بِسمِ اللهِ الَّذی لایَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شیئٌ فِی الْاَرْضِ وَلافِی السَّماءِ.

و اگر گرسنگی و تشنگی برکسی غلبه کند یا شخصی در سفر راه گم کند یا از راه‌رفتن بماند دو رکعت نماز کند پس این آیات [ذیل] را بخواند تا هفت مرتبه یا بیست و یک مرتبه، پس حاجت خود را طلب کند برآورده می‌شود و آیات این است:

(اَلَّذی خَلَقَنی فَهُوَ یَهدینِ وَالَّذی هُوَ یُطعِمُنی وَ یَسقینِ وَ اِذٰا مَرِضْتُ فَهُوَ یَشفینِ وَالَّذی یُمیتُنی ثُمَّ یُحیینِ تا... اِلّامَن اَتَی اللهَ بِقَلْبٍ سَلیمٍ).

و مکسّر اسم این است:



| | | | |
|---|---|---|---|
| ش | ا | ف | ی |
| ی | ش | ف | ا |
| ا | ی | ف | ش |

**شکل شماره‌ی ١٨٦**

## پژوهه در مفهوم الشّافی از مترجم

**الشّافی** یعنی شفادهنده‌ی امراض روحی و جسمی چنان که "**حضرت ابراهیم**" علیه‌السلام می‌فرماید: «**در هنگام بیماری او مرا شفا می‌بخشد**». (شعرا/ ٨٠). در مورد بیماری‌های روحی نیز "**حضرت یوسف**" علیه‌السلام می‌فرماید: «**نفس اماره مرا امر به بدی می‌کند مگر آن‌جا که پروردگارم مرا نجات دهد و دستم را بگیرد**».

«**و سینه‌های گروهی را که مؤمن‌اند شفا دهد و غیظ دلهایشان را از بین ببرد**». «توبه/١۴»

*****

در پایان مؤلف گرانقدر (**آیت‌الله ملّا حبیب‌الله شریف کاشانی**)، مشفقانه، سالکان سیر و سلوک و ذکر و خلوص را در آموزه‌ای موجز و پندآمیز، یادآور می‌شود: «**اگر چه تفاسیر و خواص اسماءُاللهِ‌الحُسنی زیاده بر آن است** که به رشته تحریر درآید ولکن آنچه در این رساله ایراد شده گزیده‌ای است از رسائل معتبر و مجرّبات جمعی از مشایخ موثّق و اگرچه جمله‌ای از آنها را سندی صحیح از اخبار و مأخذی معتبر از آثار نیست، لیک به مقتضای ادلّه‌ی تسامح در ادلّه‌ی سُنَن **اگر کسی با اعتقاد کامل با اجتناب از حرام در اَکْل و شُرب و قول و فعل یکی از دَعَوات مذکوره** [دعاهای یادشده] را مباشر شود و مخصوصاً با اذن و اجازه‌ی مرشدی کامل از علمای ربّانی [ذکر و دعا را در قلب

www.telasm.com www.telasm.com www.telasm.com

www.telasm.com www.telasm.com www.telasm.com



**خود جای دهد] امید است که خداوند او را از مقصودش ناامید نگرداند و اگر مصلحت الهیّه در انجاح و [تحقق] مقصود دنیوی نباشد از فیوضات اخروی بی‌بهره نخواهد ماند»...**

**اللّهُمَّ ارْزُقنا خَیْرَالدّنیا والآخِره بِحق مُحمّدٍ وَ آلِهِ اَوْلَی المَناقِبِ الفاخِرةِ.**

**۱۳۲۹ (هق) - ۱۰ صفر**

## خلاصه‌ی فوائد و خواص بعضی از اسماء الحسنیٰ

**طریق دعا و طلب حاجت از حق‌تعالیٰ این است که، شخص پس از آن که حمد و ثناء حق رابجای آورد، انتخاب نماید از اسماءالحسنیٰ آنچه را که مناسب مطلوب و مقصود وی است.**

**مثلاً اگر مقصود، وسعت روزی باشد، بایستی ذکر او از اسماءالحسنیٰ، الرزّاق، الوّهاب، الجواد، المغنی، المنعم، المعطی، الکریم، الواسع، مسبب الاسباب و المنّان باشد.**

**واگر مقصودش آمرزش و توبه است، باید ذکر او التّواب، الرحمن، الرّحیم، الرؤف، العطوف، الصبور، الشکور، الغفور، الستّار، الغفّار، المحسن، المجمل، المنعم و المفضل باشد.**

**واگر مقصود او انتقام از دشمن است باید ذکر او مثل العزیز، الجّبار، القّهار، المنقم، وامثال آن باشد.**

**و اگر مطلوب او علم است ذکر اومثل العالم، الفتّاح، الهادی المرشد، المعزّ، الرافع ومانند آن باشد.[۱]**

**کسی که درخلوت بعداز ریاضت ۱۰۰۰ مرتبه "الاحد" بگوید، فرشتگان را در اطراف خود مشاهده نماید و چنان می‌نماید که فرشتگان با وی همراهند.[۲]**

**«الواحد»**

**"*الواحد*" برای الفت وانس و عزّت بین اقران ونزدیکان فائده عظیم دارد، عدد مکتوبه‌اش ۱۹ است.[۳]**

---

۱- سیروسلوک بانو امین
۲- مصباح کفعمی. جنات الخلود. سیروسلوک بانوامین
۳- جنات الخلود. سیرو سلوک بانوامین

www.telasm.com www.telasm.com www.telasm.com

www.telasm.com www.telasm.com www.telasm.com



«الصمد»

گویند هر که مداومت نمایدبر اسم (الصمد) آثار تجلّی صمدانی ظاهر شده و وی رااز مرض جوع و گرسنگی خلاص گرداند. عدد مکتوبه‌اش ۱۳۴ است.[1]

«الرّحمن الرّحیم»

خاصیت این دو اسم مبارک این است، کسی که عقب هر فریضه ۱۰۰ مرتبه بگوید، لطف الهی شامل حال او گردد.[2]

گفته‌اند کسی که هر روز صدبار بگوید الرحیم، برخلق خدا مشفق و مهربان گردد، و اگر به نیت کسی بخواند، آن کس نسبت به وی مشفق و مهربان شود، و اگر به عدد مکتوبه [3] یا مبسوطه [4] آن بگوید اثر وی قوی‌تر باشد.[5]

«القدّوس»

گفته‌اند هر که بعد از زوال ۱۷۰ مرتبه (القدوس) بگوید به عدد مکتوبه این نام مبارک، یا ۳۴۹ مرتبه به عدد حروف مبسوطه آن، دل وی پاک شود، و اگر هر روز به این ذکر مداومت نماید صفای تام حاصل شود.[6]

«السّلام»

برای شفای هر علتی خواندن این اسم مبارک مجرّب است، بر سر هر بیمارکه ۱۰۰ مرتبه بخوانند شفا یابد.[7]

وگفته‌اند خواندن(السّلام) برای دوستی و سلامتی است و امان است از هر بلایی،

۱- سیر و سلوک بانو امین ۲- مصباح کفعمی، سیرو سلوک بانوامین
۳- مقصود از حروف مکتوبه، همان حروفی است که نوشته می‌شود مثل آن که «الله» چهار حرفست یک الف ودو لام ویک هاءو آن به حروف ابجد شصت و شش است.
۴- مقصود از حروف مبسوطه آن حروفی است که هر یک به تنهایی تلفظ می‌گردد. مثل آن که در «الله» الف به سه حرف گفته می‌شود الف و لام وفاء و هم چنین لام به سه حرف لام و الف و میم و به همین قیاس باقی حروف، و اگر به حروف ابجد حساب شود عدد خیلی زیادتر می‌شود.
۵- سیرو سلوک بانو امین ۶- همان
۷- جنات الخلود. سیرو سلوک بانوامین.



و چون به عدد حروف مکتوبه که ۱۳۱ است یا مبسوطه که ۳۹۲ است به نیت کسی هر روز بخواند، اگر برای محبت و الفت باشداثر قوی حاصل گردد، و اگر به نیت سلامتی از آفات و امراض خواند، زود اثر عافیت و صحت پیدا شود.[1]

«المهیمن»

کسی که ۱۴۵ مرتبه *(المهیمن)* بگوید، قلب او صفا یابد و بر اسرار و حقایق مطالب اطلاع پیدا نماید.[2]

«العزیز»

کسی که هر روز ۹۴ مرتبه بعد از طلوع فجر نام مقدس *"العزیز"* رابخواند، کشف می‌شود بر وی علم کیمیا و سیمیا، وکسی که چهل روز روزی ۴۰ مرتبه بخواند دولت عظیم یابد و محتاج به احدی نگردد.[3]

«الحی»

مداومت نمودن براین اسم خصوصاً درعقب هر نماز ۱۸ مرتبه، باعث طول عمر و رفع مرگ مفاجات وتوسعه معاش می‌شود واگر برای چشم درد ۱۹ مرتبه بخواند شفا یابد.[4]

«العلیم»

برای حصول علم و ظاهر و آشکار امور خفیّه، گفتن *"العلیم"* فایده‌ی عظیم دارد، و اگر بعدازهر نماز ۱۰ بار بخواندبر مغیّبات اطلاع پیدانماید.[5]

وگفته‌اند هرکه این اسم را بسیار در دل بگوید صاحب معرفت گردد، و اگر بعد از هر فریضه ۱۵۰ مرتبه به عدد مکتوبه‌ی آن یا ۲۹۳ مرتبه به عدد مبسوطه‌ی آن تکرار نماید مقصود بر وجه تمام و بیشتر حاصل شود.[6]

۱- سیرو سلوک بانوامین. ۲- جنات الخلود. سیر و سلوک بانوامین.
۳- مصباح کفعمی، جنات الخلود. سیرو سلوک بانو امین
۴- جنات الخلود. سیروسلوک بانو امین ۵- همان
۶- سیر و سلوک بانوامین

www.telasm.com www.telasm.com www.telasm.com

www.telasm.com www.telasm.com www.telasm.com



**«الباعث»**

**کسی که در وقت خواب دست برسینه بمالد و ۱۰۰ بار (الباعث) بگوید، خداوند دل او را به نور معرفت خود زنده گرداند، و برای درست شدن کارها مداومت نمودن برآن مفید است، عدد مکتوبه‌اش ۵۷۳ است.[1]**

**«الفتاح»**

**کسی که بعد از نماز صبح دست بر سینه نهد و ۷۰ مرتبه یا"فتّاح" بگوید، ظلمت از دل وی برطرف شود و خداوند حجاب راز دل او بردارد، و از برای انجام کارها مداومت بر آن مفیداست، عدد مکتوبه‌اش ۴۸۹ و عدد مبسوطه‌اش ۶۰۲ است.[2]**

**«الغفور»**

**کسی که زیاد بگوید "*الغفور*"، وسواس از وی برطرف می‌گردد.[3] و گفته‌اند هر که هر روز ۱۲۸۶ مرتبه به عدد مکتوبه‌ی آن یا ۱۳۵۵ مرتبه به عدد مبسوطه‌ی آن این اسم شریف را بگوید ظلمت و تاریکی از دل او زایل گردد و روشنی و صفا در باطن او پیدا شود.[4]**

**«المَلِک»**

**جهت توانگری و دوام ملک و بزرگی و تسلط بر خدم و حشم و مالک شدن املاک و غیره مداومت نمایند بر اسم الملک.[5] و گفته‌اند هر کس هر روز ۹۰ بار به عدد مکتوبه‌ی آن بخواند، دل او روشن شود و ضمیر او صاف گردد.[6]**

**«القریب»**

**کسی که زیاد بگوید القریب از بدی ایمن می‌گردد، و به جهت رفع هر غمی بسیار بگوید:«یا قریب و یا مجیب یا سمیع الدعا یا لطیفاً لما یشاء»**

۱- جنات الخلود. سیرو سلوک بانو امین
۲- مصباح کفعمی. جنات الخلود. سیر وسلوک بانوامین
۳- مصباح کفعمی. سیرو سلوک بانوامین
۴- سیرو سلوک بانو امین
۵- جنات الخلود. سیرو سلوک بانوامین
۶- سیرو سلوک بانوامین



**از صاحب درّ النظیم نقل می‌کنند که بعضی از اکابر دین گفته‌اند که اسم اعظم خداوند این اسم بزرگوار است وخواص وی عظیم است.**

**صاحب «*شمس المعارف*» گفته که مداومت براین اسم شریف به عدد مکتوبه‌ی وی که ۳۱۲ است یا به عدد مبسوطه‌ی وی که ۳۹۶ است، موجب فتح باب مکاشفه و اسرار است به شرط این که رعایت آداب و شرایط آن به خوبی کرده باشد، واگر بعد از هر فریضه بر عدد مبسوطه‌ی آن مواظبت نماید در حصول مقصود، موثر و تمام‌تر باشد.[1]**

**«النّور»**

**کسی که "*النّور*" را ۱۰۰۰ مرتبه بگوید خداوند به ظاهر وباطن او نوری افاضه می‌فرماید.[2]**

**به جهت صفاء باطن* و اطلاع بر خفیّات مداومت نماید، عدد مکتوبه‌اش ۲۵۶ است.[3]**

**«الهادی»**

**کسی که "*الهادی*" را زیاد بگوید، خداوند به او معرفت عنایت فرماید.[4]**

**«الصّبور»**

**کسی که ۱۰۰۰ مرتبه بگوید(الصّبور)، خدا به او الهام می‌نماید صبر بر سختیها و بلیّات را.[5]**

**«الخافض»**

**کسی که ۷۰ مرتبه بگوید، خدا او را از شر ظالمین خفظ می‌نماید.[6]**

**«عالم الغیب»**

**کسی که بعد از هر نماز ۱۰۰ مرتبه بگوید (عالم الغیب)، امور غیب بر وی مکشوف**

۱- سیروسلوک بانو امین.
۲-مصباح کفعمی. سیر و سلوک بانو امین.
۳- جنات الخلود. سیرو سلوک بانو امین.
۴-مصباح کفعمی. سیرو سلوک بانو امین.
۵- مصباح کفعمی. سیرو سلوک بانو امین.
۶- همان

www.telasm.com www.telasm.com www.telasm.com

www.telasm.com



می‌گردد.[1]

«الوهّاب»

کسی که در سجده ۱۴ مرتبه بگوید خدای تعالی وی را بی‌نیاز، وکسی که در آخر شب سرخود را برهنه کرده دست بلند کند و ۱۰۰ مرتبه بگوید، البته فقر او برطرف شود و حاجت او برآورده گردد نافع و مجربست.[2]

«المُذِلّ»

کسی که در شب تاریک در حال سجده ۱۰۰۰ مرتبه بگوید: *«یا مذل الجبارین و مبیر الظالمین ان فلانا اذلنی فخذلی حقی منه»* پس حق خود را می‌گیرد، وکسی که در سجده ۲۵ مرتبه بگوید: *«الهی آمنی من فلان»* خدااو را ایمن می‌گرداند از شرّ او.[3]

«الحفیظ»

کسی که ۹۹۸ مرتبه بگوید *(الحفیظ)* از هر خوف و هراسی ایمن می‌گردد ولو در موضع خطرناک برود، و این اسم مبارک امانست از غرق شدن، وگوینده‌ی آن همیشه محفوظ است و دعای او زود اجابت می‌گردد.[4]

و ایضاً این اسم برای حفظ مال و بدن و سائر متعلقات از غرق شدن و سوختن و سرقت شدن مال فائده‌ی عظیم دارد، وگفتن آن به عدد لفظ مکتوبه باعث ایمنی از خوفست اگرچه در نزد شیر راه رود و سریع الاجابه است.[5]

«اللّطیف»

از صاحب *دُرّالنظیم* نقل می‌کنند که این اسم از باقی اسماء به آن ممتاز است که قریب النتیجه و سریع‌الاثر، و برای رفع جمیع دردها و بیماریها و سختیها تأثیر عظیم دارد، و در اوقات بلا و سختی و اندوه، نتایج و فوائد عجیب و قریب از وی به ظهور

---

۱- همان
۲- جنات الخلود. سیرو سلوک بانو امین.
۳- مصباح کفعمی. سیرو سلوک بانو امین.
۴- همان
۵- جنات الخلود. سیرو سلوک بانو امین.

www.telasm.com

www.telasm.com



می‌رسد، وهر رنج و سختی و مرض و بیم و هراس که عارض شود، به فرج و سرور و امن و امان و اطمینان مبدل می‌شود به شرط اینکه هر روز به عدد مبسوطه وی که ۱۷۳ است بخواند.[1]

«الودود»

اگر ۱۰۰۰ بخوانند و بدمند بطعامی، و جماعتی که با هم دشمنند از آن طعام بخورند با هم دوست گردند.[2]

«الحلیم»

نوشتن و شستن این اسم و آب آن را به زراعت پاشیدن موجب نمو است، و برای فرو نشستن خشم و وقوف براسرار غیب و خاموش شدن آتش خشم ونادانی و پیدا شدن آرامش در دل و حفظ از بلیات، این اسم شریف را مداومت نموده روزی ۱۰۰ بار بخواند، عدد مکتوبه‌اش ۸۸ است.[3]

«الشّکور»

کسی که چشم او تاریکی می‌کند ۴۱ بار این اسم را بگوید وبه کف دست خود بدمد و دست بر آب نهد و بر چشم مالد شفا یابد.[4]

«الشّافی»

این نام بر هر دوائی، به عدد مکتوبه‌اش که ۳۹۱ است خوانده شود البته باعث صحت مریض گردد. مداومتش موجب شفای امراض ظاهر وباطن است و باعث آن است که هرگز بیمار نشود، و بر طعامی که بخوانند ضرر نزند و دفع سموم قاتله نماید.[5]

«هو»

جماعتی قائلند که «هو» اسم اعظم الهی است و از حضرت امیرالمؤمنین منقول

---

۱- سیرو سلوک بانو امین.
۲- مصباح کفعمی. سیرو سلوک بانو امین.
۳-جنات الخلود. سیرو سلوک بانوامین.
۴- مصباح کفعمی. سیرو سلوک بانو امین.
۵- جنات الخلود. سیروسلوک بانو ایمن

www.telasm.com

www.telasm.com www.telasm.com www.telasm.com



است فرمودند که یک شب قبل از جنگ بدر حضرت خضر را در خواب دیدم وگفتم به من چیزی تعلیم نما که براعداء و دشمنان ظفر یابم، پس گفت بگو:

«یا هُوَ یا هُوَ یا مَنْ لا یَعْلَمُ الّا هُوَ اِغْفِرلی وَ انْصُرْنی عَلَی الْقَوْمَ الْکافِرین»

پس برای پیغمبر خواب خود رانقل کردم، فرمود: یاعلی خضراسم اعظم را به تو تعلیم نمود.[۱]

## «الحسیب»

کسی که هفت هفته هر روز ۷۰ مرتبه «حَسبِیَ اللهُ الْحَسیب» بگوید و ابتدااز روز پنجشنبه نماید، کفایت مهم او شود و نجات یابداز چیزی که از آن می‌ترسد.[۲]

وایضاً گفته‌اند اگر خواهد عمل قوی شود هر صبح و شام به عدد مکتوبه‌ی این اسم که ۸۰ است قرائت کند، و اگر قوی‌تر خواهد به عدد مبسوطه وی که ۱۳۲ است به همان طریق مداومت نماید.[۳]

## «الوکیل»

کسی که این اسم را ورد خود سازداز غرق شدن و سوختن درامان باشد.[۴] و گفته‌اند در تحصیل مرادات و حاجات و کفایت مهمات اثر عظیم دارد، عدد مکتوبه‌اش ۶۶ است و عدد مبسوطه‌ی آن ۱۹۶ است.[۵]

## «الرَقیب»

مداومت براین اسم غفلت رااز دل زایل کند و به جهت خاطر جمعی خواندنش مفید است، هفت بار برمال و عیال خوانند از همه‌ی آفات محفوظ ماند، عدد مکتوبه‌اش ۳۱۲ است.[۶]

## «الحَی القیّوم»

از صاحب "درّ النظیم" نقل می‌کنند که نزد بسیاری از علما وعرفا اسم اعظم خدای

۱- مصباح کفعمی. سیروسلوک بانوامین.
۲- همان
۳- سیروسلوک بانو امین.
۴- مصباح کفعمی. سیرو سلوک بانو امین
۵- سیرو سلوک بانو امین.
۶- جنات الخلود. سیروسلوک بانوامین.



تعالی این دو اسم بزرگوار است و حدیثی از حضرت رسالت نقل می‌کند که فرموده: اسم اعظم الهی در این دو آیه است، قوله تعالی «اللهُ لا اِلهَ اِلاّ هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ» و از "ابن تمیمی" چنین نقل می‌کنند که: هر که چهل روز بر تکرار این دواسم شریف مداومت نماید، به این طور که هر روز میان نافله و فریضه صبح ۴۰ مرتبه بگوید: «یا حَیُّ یا مَنْ لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ بِرَحْمَتِکَ اَسْتَغیثُ» دل وی را حیاتی حاصل شود که هرگز نمیرد.»[۱]

## «الاحد- الصّمد»

از صاحب "درّ النظیم" نقل می‌کنند که بعضی از علما بر آنند که اسم اعظم خدای سبحانه این دو اسم است، و مداومت برتکرار این دو اسم به عدد مکتوبه یا مبسوطه آن، بعد از فرائض پنج‌گانه، موجب ظهور سرّ توحید و انکشاف تجلّی صمدانی است که از جمله تجلیات کلیه است.[۲]

## «الحکیم- العلیم»

کسی که مداوّمت نماید بر ذکر این دو اسم شریف وبرای او مهمی باشد، خداوند کشف می‌گرداند مطلب و مهم او را، و همین خاصیت را دارد دو اسم شریف «الحفیظ و الحکیم».[۳]

## «مالک الملک»

اگر کسی این دو اسم مبارک رابسیار بگوید، خداوند او را در عالم بی‌نیاز می‌گرداند.[۴]

۱- سیرو سلوک بانو امین.
۲- سیروسلوک بانو امین
۳- مصباح کفعمی. سیروسلوک بانوامین.
۴- همان

www.telasm.com www.telasm.com www.telasm.com

www.telasm.com www.telasm.com www.telasm.com

## فهرست توضیحی اسماء الحسنی



www.telasm.com www.telasm.com www.telasm.com

www.telasm.com



**۱۱ـ القاهر**

یعنی غالب بر هر چیزی است و تمام موجودات ذلیل و منقاد او می‌باشند. . . ۶۹

**۱۲ـ العلی، ۱۳ـ الاعلی**

«*العلی*» یعنی عالی و فوق عالی است، زیرا که العلی دلالت برعلّو و رفعت مقام دارد، «الاعلی» دلالت بر فوق علو و رفعت می‌کند. . . . . . . . . . . . . . . . . ۷۳و۷۶

**۱۴ـ الباقی**

یعنی همیشه باقی است، ومنزه ومبرا از عوارض ممکنات است. . . . . . . . . . . ۸۰

**۱۵ـ البدیع**

ابداع یعنی ایجاد نمودن شیء، ابتدائاً بدون آن که مسبوق باشد به مادّه و مدت، یامسبوق باشدبه عدم زمانی. . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . ۸۲

**۱۶ـ الباری**

خالق خلائق و موجود کننده‌ی تمام مخلوقات، و بعضی گفته‌اند، "*الباری*" برگرفته از *برأ*، که به معنای خاک است. یعنی خلق نموده آنها را از خاک. . . . . . . . . . . ۸۵

**۱۷ـ الاکرم**

یعنی ارجمند و گرامی، به معنی کریم هم آمده. . . . . . . . . . . . . . . . ۸۸

**۱۸ـ الظاهر**

اگر برگرفته از ظهور ضد خفاء باشد، یعنی ظاهر به آثار قدرت و هویدا است به شواهد حکمت، و پیدا است به دلائل وبراهین. . . . . . . . . . . . . . . . . . ۹۲

**۱۹ـ الباطن**

یعنی باطن است به حقیقت، وباطن هر چیزی است.یعنی عالم ودانای به هر موجودی می‌باشد. . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . ۹۴



**۲۰ـ الحی**

یعنی همیشه به ذات زنده و پاینده است، و موصوف می‌باشد به حیات و علم و قدرت و ادراک. . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . ۹۶

**۲۱ـ الحکیم**

برای این اسم مبارک دو معنی گفته شده، یکی آن که «الحکیم» یعنی "العالِم" زیرا که حکمت در لغت به معنای علم است و بنابراین معنی «*الحکیم*» از صفات ذات می‌باشد. و دیگر آنکه «*الحکیم*» به معنای اتقان در فعل و علم است. حقتعالی حکیم است یعنی افعال او متقن و محکم ومشتمل بر مصالح بسیار، وهر چیزی را به جای خودقرار داده، و بنابراین، معنی «الحکیم» از صفات افعال می‌باشد، نه از صفات ذات، یعنی افعال او محکم و از روی حسن تدبیر به عمل آمده. . . . . . . . . . . ۱۰۵

**۲۲ـ العلیم**

«*العلیم*» مبالغه در علم و اشاره به گستره‌ی علم حق عزّوجلّ، و احاطه‌ی علمی او به تمام ممکنات قبل از وجود آنها و بعداز وجود آنها و هنگام وجود آنها می‌باشد، و این که به هیچ نحو تغییر و تبدّلی درعلم ازلی او راه ندارد، و ظاهر و باطن نزد او مساوی است. . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . ۱۱۰

**۲۳ـ الحلیم**

یعنی صاحب حلم، و حق تعالی را "حلیم" گویند که هر چیزی را در وقت خودانجام می‌دهد، و در عقاب عاصی و در انتقام مظلوم با آن که دارای قدرت تامّه است عجله نمی‌کند. . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . ۱۱۴

**۲۴ـ الحفیظ**

اشاره به کمال حفظ الهی جلّ شأنه می‌باشد، پس خداوند نگهدارنده‌ی هر چیزی است که در آسمان و زمین است، و حافظ و نگهبان تمام موجودات می‌باشد و بلا راAز

www.telasm.com

www.telasm.com www.telasm.com www.telasm.com









www.telasm.com www.telasm.com www.telasm.com

www.telasm.com www.telasm.com www.telasm.com



**۴۰ـ العزیز**

به معنای صاحب قوّت و غلبه و شدت است، و آن غالبی است که چیزی او را مغلوب و عاجز نمی‌کند، وعزیز به معنای پادشاه هم آمده است. . . . . . . . . . . ۱۶۷

**۴۱ـ الجبّار**

برای «الجبّار» سه معنی گفته شده، اول قاهر، یعنی برای حق تعالیٰ بزرگی و عظمت و جبروتست، دوم عالی، یعنی فوق مخلوقات است، سوم جبران و تلافی کننده. پس خدا کسی است که جبران و تلافی می‌نماید فقر و حاجت خلق را. . ۱۷۵

**۴۲ـ المتکبّر**

متکبّر برگرفته از کبریا است، وحق تعالی متکبر است یعنی منزه و مبرا از صفات مخلوقین است. . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . ۱۷۷

**۴۳ـ السیّد**

یعنی پادشاهی است که واجب الاطاعه باشد. . . . . . . . . . . . . . . . . . ۱۸۰

**۴۴ـ السبّوح**

«السبّوح» تنزیه حق است از هر چیزی که سزاوار نیست او را توصیف نمود به آن، و "سبوح و قدوس" هر دو تقریباً به یک معنی می‌باشند. . . . . . . . . . . . . . . . ۱۸۲

**۴۵ـ الشّهید**

یعنی کسی که چیزی از او غائب و پنهان نیست. . . . . . . . . . . . . . . . . ۱۸۵

**۴۶ـ الصّادق**

یعنی حق‌تعالیٰ راستگو است و به وعده‌ی خود وفا می‌کند. . . . . . . . . . . . ۱۸۷

**۴۷ـ الصّانع**

یعنی خالق و مبدع. . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . ۱۸۹



**۴۸ـ الطّاهر**

یعنی منزه و پاکیزه. . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . ۱۹۰

**۴۹ـ العدل**

"*عدل* "در اسماءالله قرار دادن هر چیزی به جای خود می‌باشد، و معنای دیگر یعنی حکم او به حق و درستی و به جااست، وظلم و ستم در ساحت قدس او راه ندارد. . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . ۱۹۲

**۵۰ـ العفوّ**

یعنی محو و گذشت کننده است. . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . ۱۹۴

**۵۱ـ الغفور**

«*الغفور*» مشتق از مغفرت و مغفرت به معنای پوشانیدن و پنهان کردن است یعنی به لطف‌ورحمت خود گناهان عبد را می‌پوشاند و لغزشهای وی رامخفی می‌نماید. . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . ۱۹۵

**۵۲ـ الغنی**

«*الغنی*» برگرفته از غناء، به معنای توانگر و بی‌نیاز است. . . . . . . . . . . . . ۱۹۸

**۵۳ـ الغیاث**

"شیخ صدوق" فرموده، معنای الغیاث، المغیث است و مغیث به معنای فریاد رس است. . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . ۲۰۱

**۵۴ـ الفاطر**

«*فاطر*» یعنی خالق، چون حق تعالیٰ ممکنات را از عدم ونیستی به هستی و وجود آورد، گویی پرده‌ی ظلمت عدم را پاره نمود، و بر هر ممکنی به قدرامکان لباس وجود و هستی پوشانید. . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . ۲۰۴

www.telasm.com www.telasm.com www.telasm.com

www.telasm.com www.telasm.com www.telasm.com









www.telasm.com www.telasm.com www.telasm.com

www.telasm.com www.telasm.com www.telasm.com



**۶۷ـ المجید**

«*المجید*» مشتق از مجد است و به معنای کرم‌وعزت وشرافت و بزرگواری است، و این امور نسبت به حق تعالیٰ فوق آن است که در ذهن بشر بگنجد یا آن که بتواند به کُنه و حقیقت، مجد و بزرگی او را بشناسد. . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . ۲۳۶

**۶۸ـ الولی**

«*ولی*» را چند معنی است، یکی ناصر یعنی یاری کننده، و به معنای مولیٰ و صاحب اختیار هم آمده، و به معنای متولّی امر هم استعمال شده است. . . . . . . ۲۳۸

**۶۹ـ المنّان**

«*المنّان*» صیغه‌ی مبالغه است، و منّ مشترک بین دو معنی می‌باشد، و در هر دو معنی هم استعمال شده، یکی بخشنده وانعام کننده و دیگر در منّت وامتنان. . ۲۴۱

**۷۰ـ المحیط**

یعنی مستولی است واحاطه دارد بر هر چیزی و هیچ چیز یافت نمی‌شود که از حیطه‌ی وجود و علم و قدرت او خارج باشد. . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . ۲۴۳

**۷۱ـ المُبین**

«*المبین*» به معنای ظهور و وضوح است ونسبت به حق تعالی دو معنی دارد، اول آن که وجودش ظاهر و واضح است به طوری که از شدت ظهور مخفی گشته؛ دوم اظهار کننده است حکمت و کمال و حسن تدبیر خود را برای مخلوقات تا او رابشناسند وبه این جهت لایق انعام و اکرامش گردند. . . . . . . . . . . . . . . ۲۴۵

**۷۲ـ المُقیت**

برای این اسم مبارک چند معنی گفته‌اند، اول حافظ و نگهبان، دوم مقتدر و مستولی و روزی دهنده به هر موجودی برحسب استعداد و احتیاج او، و تمام این



معانی برحق تعالیٰ صادق آید. . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . ۲۴۷

**۷۳ـ المُصوّر**

«*المُصوّر*» برگرفته از تصویر است، یعنی تصویرکننده صورت جنین در رحم مادر به هر شکلی که بخواهد، پس حق تعالی خالق اجسام و تشکیل‌دهنده‌ی اشکال و مصوّر صُوَر موجودات می‌باشد. . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . ۲۴۹

**۷۴ـ الکریم**

برای این اسم مبارک هم سه معنی گفته‌اند، *اول کثیر الخیر و دائم النفع*، یعنی خیر او بسیار و نفع رساندن او دائم وگرفتن نفع از او آسان است، دوم به معنای جواد یعنی بسیار بخشش کننده ونعمت دهنده، سوم به معنای عزیز یعنی ارجمندو عالی مقدار است. . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . ۲۵۱

**۷۵ـ الکافی**

«*الکافی*» برگرفته از کفایت است، یعنی خدا کفایت می‌کند امور کسی که توکّل براونماید. . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . ۲۵۴

**۷۶ـ الکاشف**

یعنی رفع کننده‌ی بلاء و آفات از خلق، واجابت کننده‌ی دعای مضطر در هنگام اضطرار. . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . ۲۵۶

**۷۷ـ الوِتر**

یعنی "*الفرد*" و هر چیزی که یکی باشد. وی را وَتْرگویند مقابل شَفْع که دو است، و چون خداوند را شریکی نیست و در وجود و ربوبیت، دومی ندارد او را وَتْر گویند. . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . ۲۵۸

**۷۸ـ النّور**

نور آن است که به ذات خود ظاهر و ظاهرکننده‌ی غیرباشد، و چون ظهور و وجود او به

www.telasm.com www.telasm.com www.telasm.com

www.telasm.com





www.telasm.com

www.telasm.com





www.telasm.com

www.telasm.com www.telasm.com www.telasm.com



**۹۲ـ الخبیر**

یعنی عالم و دانا است به باطن و کمون اشیاء، و دقایق موجودات نزد او حاضر و هویدا است و حق‌تعالیٰ خبیر است یعنی کنه و حقیقت چیزها را می‌داند. .... ۲۹۱

**۹۳ـ الخالق**

یعنی خلق کننده‌ی خلایق، و خلق به دو معنی استعمال شده، یکی به معنای تقدیر و دیگری به معنای تکوین و به وجود آوردن........................... ۲۹۳

**۹۴ـ خیرالنّاصرین**

«*خیرالناصرین*» یعنی بهترین یاری کننده است ونظیر آن (خیرالراحمین) یعنی بهترین رحم کنندگان است. ........................................ ۲۹۵

**۹۵ـ الدّیان**

یعنی جزا دهنده‌ی اعمال مردم.......................................... ۲۹۷

**۹۶ـ الشّکور**

یعنی جزاء دهنده براعمال خیر بندگان وقبول کننده‌ی شکر آنها است، و شکور مبالغه در شکر است، زیرا که اِنعام و اِکرام او خیلی زیاد است، و به کمیِ از طاعت و عبادت پاداش بی‌اندازه کرامت می‌فرماید.................................. ۲۹۹

**۹۷ـ العظیم**

یعنی صاحب عظمت وجلال، وبرای «*العظیم*» شش معنی گفته‌اند: اول سیّد دوم غالب براشیاء سوم حق‌تعالیٰ راعظیم گویند به اعتبار آن که درمقابل عظمت او هر چیز بزرگی کوچک نماید چهارم به معنای مجد و بزرگواری است پنجم این که عظمت و جلال و بزرگواری او به قدری است که ممکن نیست کسی بتواند به کنه ذات و وجود و اوصاف اواحاطه نماید. ششم خداوند را عظیم نامند زیرا که خالق خلق عظیم و صاحب عرش عظیم است.......................................... ۳۰۲



**۹۸ـ اللّطیف**

یعنی عالم است به غموض اشیاء و رفق و نیکی کننده است به مخلوق از راههای مخفی که متوجه نمی‌شوند. ومعنای دیگر آن که لطیف است در تدبیر و افعال خود. گویند فلانی لطیف است در وقتی که حاذق وماهر در کار خودباشد.......... ۳۰۵

**۹۹ـ الشّافی**

یعنی شفا دهنده‌ی امراض و جبران و رفع کننده‌ی آنها به پاداش عظیم .... ۳۱۰

www.telasm.com www.telasm.com www.telasm.com

www.telasm.com www.telasm.com www.telasm.com



## فهرست پژوهه‌های مترجم







www.telasm.com www.telasm.com www.telasm.com

www.telasm.com www.telasm.com www.telasm.com









www.telasm.com www.telasm.com www.telasm.com

www.telasm.com www.telasm.com www.telasm.com



## منابع تحقیقی کتاب مؤلف

۱ـ قرآن

۲ـ نهج البلاغه

۳ـ رسالة اللمعة من اسرار الاسماء و الصفات و الحروف و الآیات و الدعوات.. . شیخ رجب برسی

۴ـ شرح و تفسیر لغات قرآن براساس تفسیر نمونه. . . . . . . . . . . جعفر شریعتمداری

۵ـ رساله بحرالغرائب. . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . محمد بن ابوسعیدهروی

۶ـ ختوم و اذکار(شفا و درمان). . . . . . . . . . . . . . . . . سید محمد تقی مقدم

۷ـ خزائن (ملااحمد نراقی). . . . . . . . . . . . . . . . علّامه آیت الله حسن زاده آملی

۸ـ سیروسلوک. . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . بانو امین

۹ـ اسماء الحسنیٰ و سیر و سلوک الی‌الله. . . . . . . . . . . . . . . . سیدکاظم ارفع

۱۰ـ ادعیه و ادویه. . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . حاج میرزا رضا سقازاده

۱۱ـ لوح محفوظ. . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . سیدابوالحسن حافظیان

۱۲ـ مفردات راغب. . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . راغب اصفهانی

۱۳ـ مصباح . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . کفعمی

۱۴ـ شرح دفتر دل . . . . . علّامه آیت‌الله حسن زاده آملی با شرح استاد صمدی آملی

۱۵ـ دانشنامهٔ قرآن . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . . بهاءالدین خرمشاهی

۱۶ـ علوم غریبه (خزائن الاسرار). . . . . . . . . . . . . . . . حاج میرزا ایوب صادقی‌نژاد

www.telasm.com www.telasm.com www.telasm.com